

تأثیر عوامل خانوادگی بر توانمندی اجتماعی دختران

محمد زاهدی اصل* ، محبوبه توکلی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۲۶

چکیده

هدف از اجرای این پژوهش، شناخت تأثیر عوامل خانوادگی بر توانمندی اجتماعی دختران است. به همین منظور تعداد ۱۹۲ نفر از دختران مراجعه‌کننده به بنیاد خیریه امید مهر، به روش نمونه‌گیری اتفاقی انتخاب شدند. چارچوب نظری این پژوهش متشکل از نظریه منابع بلود و وولف، نظریه توانمندی سارا لانگه و نظریه الگوی مدیریت خانواده آنتونی گیدنز می‌باشد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه ساختاریافته بود و داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS و با استفاده از ضریب‌های همبستگی پیرسون، اسپیرمن تحلیل شدند.

نتایج توصیفی نشان داد که توانمندی اجتماعی ۸۲ درصد از دختران مورد مطالعه در سطح متوسط است. آزمون فرضیات بیانگر این بود که بین الگوی مدیریت خانواده و نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی با میزان توانمندی اجتماعی دختران رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد ولی

zahedi2010@yahoo.com

* استاد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.

** کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

Mahb.tavakoli@gmail.com

بین پایگاه اجتماعی پدر و میزان توانمندی اجتماعی دختران رابطه معناداری وجود نداشت. با توجه به همبستگی معنادار متغیرهای "نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی" و "نوع الگوی مدیریت خانواده" با متغیر وابسته از روش رگرسیون چندمتغیره همزمان استفاده شد. نتایج این بررسی حاکی از معناداری اثر مدل نظری بر متغیر وابسته بود. به این صورت که نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی می‌توانست بیشتر از ۳۰٪ واریانس در توانمندی اجتماعی دختران را تبیین کند. گفتنی است که متغیر الگوی مدیریت خانواده در این بین اثر معناداری نداشت. نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌های اجتماعی-فرهنگی می‌بایست به توسعه و گسترش برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در راستای تأثیر نقش مادران بر توانمندی‌های اجتماعی دختران تأکید ویژه داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: الگوی مدیریت خانواده، پایگاه اجتماعی پدر، توانمندی اجتماعی، نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی

بیان مسئله

با توجه به این‌که نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند، دستیابی به توسعه پایدار، بدون مشارکت فعال زنان در تمام عرصه‌ها اعم از خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست و ضروری است که زنان مانند مردان در فرایند توسعه مشارکت کرده تا به‌طور کامل از نتایج آن بهره‌مند شوند. بر این اساس «توانمندی زنان» به‌عنوان یکی از راه‌های توسعه، فرایندی است که طی آن زنان از نیازها و خواسته‌های درونی خود آگاه می‌شوند، جرات دستیابی به هدف را در خود تقویت می‌کنند و از توانایی لازم برای عملی ساختن خواسته‌های خود برخوردار می‌شوند.

توانمندی دارای ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، کسی که در هر پنج بُعد احساس توانمندی کند، دارای حس کنترل، استقلال و اعتمادبه‌نفس

کافی می‌باشد. اگرچه در چند دهه اخیر میزان تحصیلات (به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر میزان توانمندی) زنان کشور روندی روبه رشد داشته است اما دلایل متعددی نشان می‌دهد که سطح توانمندی زنان چندان بالا نیست، بر اساس آمارهای ۱۳۸۹ حدود ۱۰ میلیون نفر بی‌سواد در کشور وجود دارد که در این خصوص آمار زنان ۱/۵ برابر مردان است، بیش از ۹ میلیون نفر از جمعیت کشور، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحت پوشش سازمان‌های حمایتی مانند کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی هستند که جمعیت زنان نسبت به مردان در این گروه نیز بسیار بالاتر است (فاطمی، ۱۳۹۱: ۲۰). در حوزه اشتغال نیز زنان از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند. نزدیک به نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند درحالی‌که فقط ۹ درصد از مجموع شاغلان کشور زن هستند. به‌علاوه تنها ۲/۸ درصد از کل مدیران بخش عمومی را زنان تشکیل می‌دهند (فرهنگ و پژوهش، ۱۳۸۲: ۳۰).

با توجه به آمارهای مطرح‌شده و از آنجایی که هدف هر جامعه‌ای به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی است و رفاه اجتماعی تابعی از درآمد سرانه، توزیع عادلانه درآمد، بهبود سطح امکانات آموزشی، بهداشتی و رفاهی و میزان مشارکت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی زنان و مردان می‌باشد، در جامعه‌ای که مشارکت زنان در زمینه اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر باشد، رفاه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود زیرا مشارکت زنان در بازار کار موجب کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید، افزایش درآمد سرانه و در نتیجه افزایش رفاه اجتماعی کل جامعه می‌شود. علاوه بر آن دختران و زنان با بر عهده داشتن مسئولیت خطیر پرورش نسل آینده در نظام طبیعی و تداوم بخشیدن به این نقش در خانواده و جامعه به‌گونه‌ای مؤثر در روند توسعه اجتماعی نقش بسزایی دارند.

جایگاه زنان و دختران در جوامع، به‌عنوان قشر فرهنگ‌ساز، ازجمله موضوعات درخور اعتنایی است که می‌توان از منظر انسانی به آن توجه کرد و ابعاد آن را با بهره‌گیری از تلاش‌های علمی و پژوهشی مورد کاوش قرارداد. تلاش برای رسیدن به

این مهم، باعث ارائه رویکردها و راهکارهای مختلفی در این زمینه گردیده است که مفهوم اساسی و مشترک در این رویکردها و راهکارها، مفهوم "توانمندسازی زنان" است به گونه‌ای که سازمان ملل ارتقای جنسیتی و توانمندسازی زنان را در سطحی گسترده به عنوان یکی از هدف‌های کلیدی هزاره سوم مطرح کرده است. بنابراین پرداختن به مسائل این گروه (دختران و زنان) در هر جامعه‌ای حائز اهمیت است. برجسته کردن گروه دختران (کسانی که تاکنون ازدواج نکرده‌اند) از آن جهت حائز اهمیت است که این افراد مادران آینده می‌شوند و قرار است به عنوان یکی از متولیان تربیت فرزندان ایفای نقش مادری کنند و همچنین این افراد به دلیل ویژگی سنی، قابلیت بیشتری برای تغییرپذیری و رشد و تحول شخصیتی دارند به این معنی که در مقابل برنامه‌های توانمندسازی انعطاف‌پذیری بیشتری دارند و ارائه این برنامه‌ها به این گروه در مقایسه با افرادی که سن بالاتری دارند و یا متأهل می‌باشند با استقبال بیشتری مواجه می‌شود، زیرا زنی که ازدواج می‌کند بخشی از میزان توانمندی‌اش وابسته به خانواده جدید (همسر و خانواده همسر) است.

روشن است که به منظور افزایش توانمندی اجتماعی دختران و زنان، باید به تحلیل این مسئله در سه سطح خرد، میانی و سطح کلان جامعه پرداخت ولی از آنجایی که خانواده نخستین و پایدارترین نهادی است که اعضای خود را به مدت طولانی تحت تأثیر قرار می‌دهد و در شکل‌گیری نوع نگرش، نحوه رفتار و در نهایت توانمندی اعضای خود سهم بسزایی دارد، به منظور تحلیل درست و جامعی از عوامل مؤثر بر توانمندی اجتماعی دختران، شناخت هر یک از متغیرهای درون خانواده و تأثیر آن به عنوان یکی از عوامل مؤثر، ضروری است، به عنوان مثال توزیع قدرت و روابط زن و شوهر با یکدیگر، وجود الگوهای پدربسالاری، نحوه تصمیم‌گیری در درون خانواده، کلیشه‌ها و باورهای جنسیتی، دسترسی به منابع اقتصادی و درآمد و میزان تحصیلات والدین از جمله عوامل خانوادگی هستند که به نظر می‌رسد توانمندی فرزندان خانواده از آنها متأثر خواهد بود. با توجه به مطالب مزبور، پژوهش حاضر درصدد یافتن پاسخ این

پرسش است که چه عوامل خانوادگی‌ای بر توانمندی اجتماعی دختران خانواده تأثیرگذار است؟

ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به این‌که تحقیقات انجام‌شده در علوم انسانی بیشتر در زمینه توانمندی زنان صورت گرفته است و تحقیقات کمتری در زمینه توانمندی دختران انجام‌شده است یا این‌که توانمندی زنان در قالب کلی و بدون توجه به تأهل و مجرد آنها مورد بررسی قرار گرفته است، انجام تحقیق در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. همچنین در اکثر تحقیقات، تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و آموزش‌ها بر توانمندی مورد بررسی قرار گرفته است و کمتر به تأثیر عوامل خانوادگی بر توانمندی پرداخته شده است. بنابراین این پژوهش به لحاظ نظری می‌تواند به غنای ادبیات تحقیقی در حوزه توانمندی اجتماعی دختران کمک کند، اهمیت هرکدام از نظریه‌های توانمندسازی و کاربردی بودن آنها را مشخص کرده و راهنمای الگوهای نظری در تحقیقات آینده باشد. همچنین با انجام این پژوهش، حوزه‌های دقیق‌تر و بیشتری برای تحقیق در حوزه توانمندی دختران و راهکارهای تقویت آن، برای پژوهشگران ترسیم خواهد شد. از جنبه کاربردی نیز این پژوهش می‌تواند هم به مؤسساتی که در زمینه توانمندی دختران فعالیت می‌کنند کمک کند تا با نگاهی جامع، در دوره‌های آموزشی‌شان بازبینی‌هایی انجام دهند و همچنین برای مددکاران اجتماعی که در حوزه خانواده و دختران فعالیت می‌کنند، می‌تواند کاربرد داشته باشد.

اهداف پژوهش

- شناخت تأثیر پایگاه اجتماعی پدر بر توانمندی اجتماعی دختران.
- شناخت تأثیر نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی، بر توانمندی اجتماعی دختران.
- شناخت تأثیر نوع الگوی مدیریت خانواده بر توانمندی اجتماعی دختران.

پیشینه تحقیق

در سال ۲۰۱۳ پژوهشی با عنوان "توانمندسازی زنان در هندوستان" توسط گونجان سایگال^۱ و کریشنا ساراوات^۲ انجام گرفت. بر اساس یافته‌های این پژوهش، ابعاد توانمندی زنان در سطح ملی، به‌طور عمده از طریق سه عامل هویت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تأمین می‌شود. این پژوهش تأثیر بهداشت و آموزش بر توانمندی زنان را مورد بررسی قرار داده است. توانمندسازی زنان در هندوستان به متغیرهای مختلفی از جمله موقعیت جغرافیایی (شهری/روستایی)، وضعیت تحصیلی، پایگاه اجتماعی (قبیله و طبقه)، سیاست‌های مربوط به توانمندسازی زنان در سطوح ملی، ایالتی و محلی در بسیاری از بخش‌ها از جمله بهداشت، آموزش، فرصت‌های اقتصادی، خشونت جنسیتی و مشارکت بستگی دارد. با این حال، شکاف قابل‌توجهی بین پیشرفت‌های سیاسی و عملکرد واقعی در سطح جامعه وجود دارد. توانمندی اجتماعی ایجاد یک محیط توانمندکننده از طریق اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های گوناگون برای توسعه زنان است. علاوه بر فراهم کردن دسترسی آسان و برابر به خدمات تأمین‌کننده نیازهای اولیه، باید آن‌ها را قادر ساخت تا به توانایی‌های خود آگاه باشند. توانمندسازی زنان به قدرت و روابط جامعه مربوط می‌شود که با جنسیت، طبقه اجتماعی، نژاد، قومیت، سن، فرهنگ و تاریخ در ارتباط است. قدرت با عدالت و برابری مردان و زنان در دسترسی به منابع، مشارکت در تصمیم‌گیری و کنترل توزیع منابع و منافع تعریف می‌شود. در اینجا برابری جنسیتی باهدف افزایش برابری زنان و مردان و دستیابی به توانمندسازی زنان تعریف می‌شود. پژوهش نایلا کبیر^۳ در سال ۲۰۱۰ در مورد اهداف توسعه هزاره سوم، در زمینه برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان بحث می‌کند و مفهوم توانمندسازی زنان را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزش، اشتغال و مشارکت

1. Gunjan Saigal
2. Krishna Sarawat
3. Naila Kabeer

سیاسی می‌توانند به توانمندسازی زنان کمک کنند.

تحقیقی در سال ۱۳۸۳ با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر میزان قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده" توسط علی امامی نصیر محله انجام گرفته است. سؤال اصلی این پژوهش این است که «چه عواملی بر میزان قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده تأثیر دارند». نمونه این پژوهش ۳۲۰ نفر از زنان متأهل ساکن شهر فومن می‌باشند. متغیرهای مستقل تحقیق عبارت‌اند از: وضعیت اشتغال، منزلت شغلی، میزان درآمد، میزان تحصیلات، میزان اعتقاد به کلیشه‌های جنسیتی، فاصله سنی زوجین، طول مدت ازدواج، تعداد فرزندان، میزان قدرت پاسخگویی مادر در خانواده، میزان علاقه شوهر به همسر. نتایج حاکی از آن بود که بین درآمد زنان و میزان قدرت آنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده رابطه معناداری وجود دارد به عبارتی هر چه میزان درآمد زنان بالاتر باشد، قدرت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های خانواده بیشتر است. بین وضعیت اشتغال زنان و میزان تحصیلات، میزان اعتقاد به قالب‌های جنسیتی، تعداد فرزندان و قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده رابطه معناداری مشاهده شده است. اما بین وضعیت اشتغال، منزلت شغلی، فاصله سنی زوجین، طول مدت ازدواج، میزان قدرت پاسخگویی مادر و میزان علاقه شوهر به همسر و قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده رابطه معناداری مشاهده نشد.

ناهید سرداری پژوهشی با عنوان "عوامل مؤثر بر عاملیت زنان در تغییرات اجتماعی (در شبکه خانواده)" در سال ۱۳۸۳ انجام داده است. در این تحقیق توانمندسازی زنان به‌عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل آن شامل: ارتقای سطح علمی، افزایش آگاهی زنان، آشنایی با فن‌آوری و تکنولوژی جدید، استقلال مالی، کاهش مردسالاری و اشتغال و حضور در فعالیت‌های اجتماعی، دسترسی به منابع و امکانات رفاهی می‌باشد. متغیرهای

تعداد فرزندان و تحصیلات پدر و مادر پاسخگو به‌عنوان متغیرهای زمینه‌ای در این پژوهش در نظر گرفته شده‌اند. روش انجام پژوهش اسنادی-پیمایشی بوده است که در

روش اسنادی با مراجعه به کتابخانه و در روش پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه و مصاحبه حضوری ۴۰۰ نفر از زنان متأهل دارای همسر در سطح شهر تهران به طور تصادفی به منظور جمع‌آوری اطلاعات انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که در این تحقیق با وارد کردن یا خارج کردن یکی از متغیرهای "درآمد و رفاه"، چهار فرضیه توانایی سرمایه‌گذاری، استقلال مالی، آشنایی با فرهنگ‌های داخلی و خارجی، و استفاده از فن؟؟؟؟ متغیر زمینه؟؟؟؟ درآمد خانواده، مورد تأیید قرار می‌گیرند و از جمله عواملی هستند که بر افزایش عاملیت در بین زنان مؤثرند. علی شکوری، مریم رفعت جاه و معصومه جعفری پژوهشی با عنوان "مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن" در سال ۱۳۸۶ انجام دادند. این مقاله در چارچوب مفهومی فقر و توانمندسازی و با بهره‌گیری از روش پژوهش میدانی به بررسی ابعاد توانمندی زنان سرپرست خانوار به عنوان یکی از گروه‌های مهم در معرض خطر فقر، در شهر تهران می‌پردازد. اطلاعات مورد نیاز از حدود ۲۲۹ نفر زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی از طریق مصاحبه و پرسشنامه از منطقه ۲۰ تهران جمع‌آوری گردید. این افراد با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران برآورد شدند و بر اساس نمونه‌گیری تصادفی ساده، از بین خانوارهای تحت پوشش انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. جامعه آماری این پژوهش ۳۰۵۸ نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد منطقه ۲۰ تهران می‌باشند. با الهام از چارچوب مفهومی فقر و توانمندسازی، این مقاله مبتنی بر این فرض بود که فقر فرهنگی، اجتماعی و روانی زنان سرپرست خانوار به مراتب وسیع‌تر از فقر اقتصادی است. هرچند یافته‌های این پژوهش این ایده را مورد تأیید قرارداد که زنان سرپرست خانوار به این دلیل فقیرند که دارای تحصیلات و مهارت کافی نیستند، به فرصت‌های اندک برای اشتغال دسترسی دارند و در نتیجه از دستیابی به درآمد کافی محرومند، ولی بررسی دقیق‌تر نشان داد که آنان از توانمندی روانی و اجتماعی چندان بالایی نیز برخوردار نیستند. از بین ابعاد توانمندسازی، بالاترین میزان در بُعد روانی و پایین‌ترین

میزان در بُعد اقتصادی مشاهده گردید. با توجه به یافته‌های این پژوهش برای از بین بردن فقر زنان و نابرابری جنسیتی و تحول در پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان، تحولات ساختاری ضروری است.

سولماز چمنی بالا بیگلو در سال ۱۳۸۹ پژوهشی با عنوان "سطح توانمندی زنان متأهل و عوامل مرتبط با آن" را انجام داده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان متأهل دارای همسر ساکن شهر اردبیل می‌باشد. این تحقیق از طریق پرسشنامه و به شیوه پیمایشی انجام گرفته است، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای است و با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۰ نمونه مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. در این تحقیق علاوه بر مطالعه ویژگی‌های زمینه‌ای زنان متأهل، سطح توانمندی زنان در ابعاد مختلف توانمندی شامل: توانمندی اقتصادی (درآمد، قدرت پس‌انداز، استقلال مالی)، توانمندی اجتماعی (مشارکت اجتماعی و مشارکت مذهبی)، توانمندی سیاسی (مشارکت سیاسی و قدرت زن در خانواده) و توانمندی روانی (قدرت تصمیم‌گیری، عزت‌نفس و استقلال فکری) مدنظر قرار گرفته است. متغیرهای مستقل شامل تحصیلات، اشتغال زنان، بعد خانوار، میزان تصورات قالبی جنسیتی در زنان، تبعیض جنسیتی در خانواده پدر زنان متأهل، میزان استفاده از وسایل ارتباط‌جمعی در زنان متأهل و مهارت‌های حرفه‌ای آنان می‌باشد. در پایان ضمن اشاره به این موضوع که زنان مسئول فقر خود نیستند، نتیجه‌گیری شده است که به‌استثنای بُعد خانوار، دیگر متغیرها رابطه معناداری به لحاظ آماری با شاخص توانمندی دارند و این رابطه از نظر شدت دارای همبستگی متوسط و با متغیر اشتغال دارای همبستگی قوی است و از نظر جهت با متغیرهای تبعیض جنسیتی و تصورات قالبی جنسیتی دارای رابطه معکوس است. نابرابری در دسترسی به آموزش، اشتغال و عدم امکان کسب مهارت‌های حرفه‌ای، تبعیض جنسی، تصورات قالبی جنسیتی از جمله موانع در توانمندی زنان محسوب می‌شوند.

در سال ۱۳۹۲ پژوهشی با عنوان "عوامل مؤثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار" توسط مهدی کرمانی، محمد مظلوم خراسانی، حسین بهروان و محسن نوغانی

انجام گرفت. تکیه‌گاه اصلی در چارچوب نظری این تحقیق، نظریه توانمندسازی نایلا کبیر است. جامعه هدف پژوهش زنان شاغل در مراکز کارآفرینی و مهارت‌آموزی کوثر وابسته به شهرداری تهران می‌باشد که تعداد این افراد در حین انجام تحقیق (۱۳۹۱) ۸۲۴ نفر بوده است که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۲۴ نفر می‌باشد. برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک‌های مطالعه اسنادی، مشاهده و مصاحبه بهره برده شده است. بررسی‌های صورت گرفته نشان داد که در بین عوامل متنوع اثرگذار بر «توانمندی زنان سرپرست خانوار» در بین زنان مورد مطالعه، میزان تأثیر مربوط به بُعدی از توانمندی اقتصادی بوده است که ناظر بر انگیزه پیشرفت، خودمختاری، برخورداری از مهارت‌های فنی، اشتغال و درآمدزایی و درنهایت سلامت جسمی است. پس از این عوامل می‌توان بالاترین اثرگذاری را مربوط به توانمندی روانی افراد دانست. این عامل ویژگی‌های روانی مهمی همچون عزت‌نفس، اعتماد به نفس، توانایی تصمیم‌گیری، مسئولیت‌پذیری و سلامت روانی را نمایندگی می‌کند. از دیگر نتایج این تحقیق تفاوت قابل تأمل بین متغیر وضعیت تأهل و سطح توانمندی بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که در شرایط مشابه زنان مطلقه و با اندکی فاصله زنان بیوه نسبت به زنان مجرد یا زنان دارای همسر نمرات بالاتری را در شاخص‌های مورد بررسی کسب کرده‌اند. در بین متغیرهای زمینه‌ای نیز سن، اثر منفی و مدت سرپرستی اثر مثبت بر متغیر وابسته داشته است.

هر کار پژوهشی دارای کاستی‌ها، محدودیت‌ها و نقاط ضعف و قوت می‌باشد که این مسئله در امور پژوهشی امری طبیعی است و پژوهش‌های مطرح‌شده نیز از این قاعده مستثنا نیستند. تحقیق‌های یادشده، (چه تحقیق‌های داخلی و چه خارجی)، توانمندی زنان متأهل و مجرد را از یکدیگر تفکیک نکرده‌اند و در بهترین حالت وضعیت تأهل به‌عنوان یکی از متغیرهای تحقیق در نظر گرفته شده است، بنابراین به نظر می‌رسد که تفکیک زنان از دختران به‌عنوان یک ویژگی هم می‌بایست در بررسی‌های مربوط به توانمندی این گروه‌ها لحاظ شود. در پژوهش حاضر سعی شده است به‌طور

خاص توانمندی اجتماعی "دختران" مورد بررسی قرار گیرد.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر اساس سه نظریه منابع^۱، رویکرد توانمندسازی سارا لانگه^۲ و نظریه خانواده دموکراتیک^۳ تدوین گردیده است. در زیر به ارتباط این سه نظریه با فرضیه‌های مطرح شده می‌پردازیم:

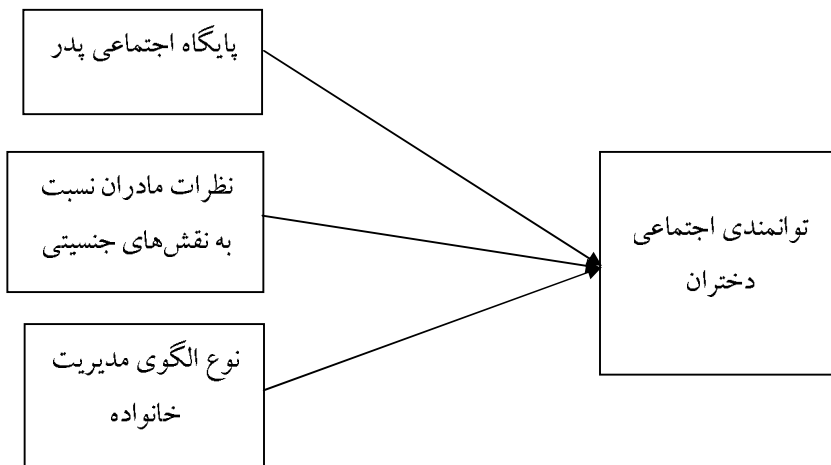
- معروف‌ترین بحث در زمینه قدرت در روابط خانوادگی به‌وسیله "بلود و وولف"^۴ مطرح شده است که یک رابطه آشکار بین قدرت و منابع در خانواده را در نظر می‌گیرند و قدرت را به‌عنوان توانایی بالقوه^۱ یک عضو برای نفوذ و تسلط بر رفتار دیگری تعریف می‌نمایند (چمنی بالا بیگلو، ۱۳۸۹: ۶۲). بسیاری از تعاریف، توانمندی را با مفهوم قدرت مقایسه و حتی بعضی مواقع برابر دانسته‌اند. در بین عواملی که زمینه‌ساز افزایش قدرت هستند می‌توان به نوع شغل و میزان درآمد و تحصیلات اشاره کرد که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده پایگاه اجتماعی می‌باشند و از آنجایی که پایگاه اجتماعی فرزندان بیشتر توسط پدر خانواده تعیین می‌گردد، زمانی که پدران دختران مجرد به لحاظ نوع شغل و میزان درآمد و میزان تحصیلات در وضعیت مطلوبی قرار داشته باشند طبیعتاً احساس قدرت بیشتری می‌کنند و این احساس قدرت به فرزندان منتقل می‌شود. پس بدین صورت می‌توان گفت بین پایگاه اجتماعی پدر و توانمندی اجتماعی دختران رابطه معناداری وجود دارد و فرضیه اول از این نظریه استخراج می‌گردد.

- بر اساس رویکرد توانمندسازی سارا لانگه، توانمندسازی یک فرآیند پنج مرحله‌ای است که به ترتیب شامل رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و درنهایت کنترل می‌باشد. مرحله سوم در رویکرد توانمندسازی سارا لانگه، آگاهی است یعنی هر چه

1. Sources theory
2. Sara Longwe
3. Democratic Family theory
4. Blood & Wolf

زنان آگاه‌تر باشند درمی‌یابند که عامل بدبختی آن‌ها در خودشان نهفته نیست و متوجه می‌شوند که تقسیم‌بندی‌های اجتماعی، عامل اصلی عقب‌ماندگی آن‌ها است. زنانی که این آگاهی را داشته باشند متوجه می‌شوند که دو نقش متفاوت دارند که عبارت‌اند از: نقش‌های جنسی و نقش‌های جنسیتی و آگاهی از آن‌ها، مبنایی برای تغییر افکار و نظرشان در زمینه این دو نقش خواهد بود. بنابراین می‌توان اذعان کرد که هرچه آگاهی زنان از نقش‌های جنسیتی خود بیشتر باشد، این آگاهی باعث تغییر نگرش و نظر آن‌ها شده و نگرش و نظر باعث می‌شود که مادران از نقش‌های جنسیتی سنتی خود بیشتر فاصله بگیرند و توانمندی اجتماعی‌شان بیشتر شود. این زن که مادر دختر مجرد خود می‌باشد الگویی برای حضور وی در جامعه است. پس می‌توان نتیجه گرفت که بین نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی‌شان و میزان توانمندی اجتماعی دختران رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه دوم از این بخش از این نظریه استخراج می‌گردد.

- آنتونی گیدنز در زمینه برابری زن و مرد و پایه‌گذاری عدالت جنسیتی بین زنان و مردان جامعه، از دریچه خانواده به مسئله می‌نگرد و با طرح مفهوم خانواده دموکراتیک سعی در تحلیل و تبیین شکل‌گیری آتی این نوع خانواده دارد. از نظر گیدنز ویژگی‌های یک خانواده دموکراتیک عبارت‌اند از: برابری عاطفی و جنسی، حقوق و مسئولیت‌های متقابل، انجام وظایف مشترک پدر و مادری، قراردادهای مادام‌العمر میان والدین و فرزندانشان، اقتدار توافق شده نسبت به کودکان و تعهد کودکان نسبت به پدر و مادر. بنابراین این تئوری از فرضیه سوم یعنی تأثیر نوع الگوی مدیریت خانواده بر میزان توانمندی اجتماعی دختران پشتیبانی می‌کند.



الگوی نظری پژوهش

فرضیه های پژوهش

- ۱- به نظر می رسد بین پایگاه اجتماعی پدر و میزان توانمندی اجتماعی دختران رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- به نظر می رسد بین نظرات مادران نسبت به نقش های جنسیتی و میزان توانمندی اجتماعی دختران رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- به نظر می رسد بین نوع الگوی مدیریت خانواده و میزان توانمندی اجتماعی دختران رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع پیمایشی می باشد. پیمایش روشی است برای به دست آوردن اطلاعاتی درباره دیدگاه ها، باورها، نظرات، رفتارها، انگیزه ها یا مشخصات گروهی از اعضای یک جامعه. معمولاً ابزار مورد استفاده جهت جمع آوری داده ها در روش پیمایشی، پرسشنامه و تحلیل محتوا می باشد که در این تحقیق از

پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه منظم استفاده شده است. جمعیت آماری مورد مطالعه پژوهش حاضر، دختران مراجعه کننده به مؤسسه خیریه امید مهر می باشند. این مؤسسه نهادی غیردولتی است که از سال ۱۳۸۳ در راستای توانمندی دختران ۱۵-۲۵ ساله تأسیس شده است و خدمات جامعی را به منظور توانمندی این گروه از دختران ارائه می دهد. تعداد دختران پذیرش شده در این مؤسسه از سال ۱۳۸۳ تا مهرماه ۱۳۹۴ تعداد ۳۸۵ نفر می باشد. بنابراین جمعیت آماری ۳۸۵ نفر است.

برای تعیین اندازه نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که طی محاسبه ۱۹۲ نفر می باشد و روش نمونه گیری در این پژوهش، روش اتفاقی می باشد. ابزار جمع آوری داده ها در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته است. برای این منظور با توجه به هدف های مطالعه و فرضیه های تدوین شده، در تهیه و تنظیم پرسشنامه از پرسش های باز و بسته بهره گرفته شده است. برای سنجش روایی پژوهش حاضر، از روایی محتوایی و صوری استفاده شده است و برای سنجش پایایی طیف های این تحقیق، گویه های مورد نظر برای جمع بندی نهایی و حذف سؤالات نامربوط در نمونه محدودی از جامعه مورد مطالعه (۳۰ نفر) تست مقدماتی انجام شد و آزمون آلفای کرونباخ بر روی آن ها انجام گردید. جدول شماره ۱، مقادیر آلفای کرونباخ متغیرها را نشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود مقدار آلفا در همه متغیرها از ۰,۷۰ بالاترند، بنابراین می توان گفت پرسشنامه مورد استفاده در تحقیق از پایایی کافی برخوردار است.

جدول ۱- مقادیر آلفای کرونباخ

سطح	متغیر اصلی	مقدار آلفای کرونباخ
توانمندی اجتماعی (متغیر وابسته)	عاملیت	۰,۸۴۸
	منابع	
	نگرش	
متغیرهای مستقل	نظرات مادران نسبت به نقش های جنسیتی	۰,۷۹۳
	الگوی مدیریت خانواده	

تعریف نظری و عملی مفاهیم اصلی تحقیق

۱- توانمندی اجتماعی

«به توانایی درک و استفاده از افکار و احساسات و رفتارها به‌طور تلفیقی اشاره می‌کند تا وظایف و تکالیف اجتماعی‌ای را انجام دهد که در فرهنگ و موقعیت خاص، مطلوب به حساب آید» توانمندی اجتماعی دختران به چهار مؤلفه «تمایل به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی»، «چگونگی رفتار گروهی و مشارکتی»، «نگرش نسبت به نقش زنان» و «اعتقاد به جمع‌گرایی» تقسیم‌بندی می‌شود (سارنی^۱، ۱۹۹۹ به نقل از چمنی بالابیکلو، ۱۳۸۹: ۴۶).

نایلا کبیر نیز در تعریف مفهوم توانمندی از مفاهیم سه‌گانه «عاملیت»، «منابع» و «دستاوردها» بهره می‌گیرد. «منابع» به وجود آورنده شرایطی هستند که انتخاب تحت تأثیر آن اتفاق می‌افتد. «عاملیت» در واقع نمایان‌گر اصلی و به‌نوعی کانون فرایند گزینش است و بالاخره «دستاوردها» معرف نتایج برآمده از انتخاب‌های مختلف هستند. (Kabir, 2011: 15). به‌منظور عملیاتی کردن مفهوم توانمندی اجتماعی مؤلفه‌های «عاملیت» و «منابع» از نظریه نایلا کبیر و «نگرش نسبت به نقش زنان» از تعریف سارنی (۱۹۹۹) اقتباس شده است که گویه‌های مربوط به هر یک در جدول شماره ۲، آمده است. دختران دارای توانمندی اجتماعی پایین، نمره ۶۰-۲۵، دختران دارای توانمندی اجتماعی متوسط، نمره ۹۶-۶۱ و دختران دارای توانمندی اجتماعی بالا، نمره ۱۳۲-۹۷ می‌گیرند.

جدول ۲- ابعاد و گویه های مربوط به متغیر وابسته (توانمندی اجتماعی)

<p>- من می توانم مطابق میل خودم در هر رشته ای که دوست دارم ادامه تحصیل دهم.</p> <p>- من می توانم مطابق میل خودم در هر شهر و دانشگاهی که قبول شوم ادامه تحصیل دهم.</p> <p>- من در تعیین این که با چه کسی و چه زمانی ازدواج کنم، حق انتخاب دارم.</p> <p>- من می توانم اوقات فراغتم را به هر برنامه ای که دوست دارم اختصاص دهم.</p> <p>- انتخاب دوست با تأیید والدینم می باشد.</p> <p>- من می توانم در هر فعالیت اجتماعی ای که علاقه دارم شرکت کنم.</p> <p>- تصمیم گیری در مورد نحوه خرج کردن درآمد شخصی یا پول توجیبی به عهده خودم می باشد.</p>	<p>قدرت تصمیم گیری</p>	
<p>- والدینم اجازه می دهند در اردوهای درون شهری و برون شهری شرکت کنم.</p> <p>- ملاقات با دوستان و اقوام با اجازه پدر و مادرم است.</p> <p>- اجازه رفت و آمد به هر نقطه از سطح شهر را دارم.</p> <p>- والدینم به من اجازه رفتن به ادارات و انجام امور مربوطه را می دهند.</p> <p>- می توانم در کلاس های آموزشی مورد علاقه ام ثبت نام کنم.</p>	<p>آزادی در رفت و آمد</p>	<p>عاملیت</p>
<p>- در فعالیت های اجتماعی محله خود حضوری فعال دارم.</p> <p>- علاقه مند به شرکت در فعالیت های ورزشی دسته جمعی هستم.</p> <p>- علاقه مند کمک به سالمندان هستم.</p> <p>- در فعالیت های خیریه و انسان دوستانه شرکت می کنم.</p> <p>- در انجام امور مربوط به محله با همسایگان همکاری می کنم.</p>	<p>مشارکت اجتماعی</p>	<p>منابع</p>
<p>مکان دستیابی به کدام یک از موارد (ادامه تحصیل، خیاطی، آرایشگری، یادگیری یادگیری مهارت زبان خارجی، کامپیوتر، رانندگی، صنایع دستی) برای شما وجود دارد؟</p>	<p>دسترسی به یادگیری مهارت</p>	
<p>- زنان می توانند مشاغلی مانند مردان داشته باشند.</p> <p>- نقش زنان فقط به کار درون خانه (خانه داری و بچه داری) محدود نمی شود.</p> <p>- زنان نمی توانند امور بیرون از منزل را به خوبی انجام دهند.</p> <p>- مردان در انجام کارهای بیرون نسبت به زنان موفق ترند.</p> <p>- تأمین مخارج خانه فقط باید بر عهده مردان باشد.</p> <p>- مردان باهوش تر از زنان هستند.</p> <p>- نظافت منزل، شستشوی ظروف و لباس ها امری زنانه است.</p> <p>- زن بدون مرد نمی تواند زندگی مستقلی داشته باشد.</p>	<p>.....</p>	<p>نگرش نسبت به نقش زنان</p>

۲- پایگاه اجتماعی- اقتصادی پدر

"مقامی که فرد یا گروه با توجه به توزیعشان در یک نظام اجتماعی اشغال می‌کند را پایگاه اجتماعی او گویند و یا وضعیتی که فرد در یک نظام اجتماعی در برابر دیگران می‌یابد که تعیین‌کننده حقوق و وظایف انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی است" (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۳۰). طبق تعریفی که در فرهنگ علوم اجتماعی عنوان شده است، پایگاه اجتماعی- اقتصادی با سه شاخص "نوع شغل"، "میزان درآمد" و "میزان تحصیلات" سنجیده می‌شود (همان: ۳۸۰).

در این پژوهش، شغل پدر در سطح اسمی با یک سؤال (شغل پدر شما چیست؟) سنجیده می‌شود. برای تحلیل این متغیر، مشاغل به پنج گروه مشاغل با منزلت بسیار پایین، پایین، متوسط، بالا و بسیار بالا تقسیم می‌شوند که برای تعیین منزلت شغلی پدران پاسخگویان، از روش تعیین منزلت شهلا کاظمی پور استفاده شده است (کاظمی پور، ۱۳۷۸: ۱۵۱).

شاخص درآمد عبارت است از: کل درآمدهای نقدی پدر خانواده در طی یک ماه، که در پرسشنامه به صورت سؤال بسته طرح و در پنج سطح (درآمد خیلی پایین ۰-۴۰۰۰۰۰، درآمد پایین ۸۰۰۰۰۰-۴۰۱۰۰۰۰، درآمد متوسط ۱۲۰۰۰۰۰-۸۰۱۰۰۰۰، درآمد بالا ۱۶۰۰۰۰۰-۱۲۰۱۰۰۰۰ و درآمد خیلی بالا ۲۰۰۰۰۰۰-۱۶۰۱۰۰۰۰) سنجیده می‌شود، که در نمودار شماره ؟؟؟؟؟؟ سطوح درآمد مشخص شده و در جدول شماره ۳، گویه های سنجش پایگاه اقتصادی آورده شده است.

میزان تحصیلات پدر عبارت است از مدرک اخذ شده از مؤسسات رسمی آموزشی که در سطح سنجش ترتیبی و در سطوح بی سواد، ابتدایی، سیکل، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و بالاتر در نظر گرفته شده است. در نمره گذاری، بالاترین پایگاه اجتماعی نمره ۱۵ و پایین ترین پایگاه اجتماعی نمره ۳ را به خود اختصاص داده است.

۳- نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی

نقش «الگویی متشکل از رفتارهای مربوط به موقعیت فرد در مجموعه‌ای تعاملی» است (اسپنله^۱، ۱۳۷۲: ۲۰۲). نقش‌های جنسیتی «کلیه نقش‌هایی است که هر یک از دو جنس در موقعیت‌های اجتماعی و خانوادگی ایفا کرده‌اند» (شهشهانی، ۱۳۸۰: ۳۴). کم‌ترین امتیاز ممکن در این بخش ۱۱ و بالاترین امتیاز ۵۵ است و در سؤالاتی که جهت منفی دارند شیوه نمره دهی برعکس انجام شده است. گویه‌های مربوط به این متغیر در جدول ۴، آمده است.

جدول ۳- گویه‌های مربوط به نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی

- مادرم عقیده دارد که ادامه تحصیل برای دختر لازم است و زن تحصیل کرده در زندگی آینده‌اش موفق‌تر است.	
- مادرم عقیده دارد دختر هر چه زودتر باید ازدواج کند.	
- مادرم عقیده دارد دختر باید در جامعه حضور داشته باشد و با دیگر افراد در تعامل باشد.	
- مادرم عقیده دارد دختر نباید شاغل باشد و باید به زندگی زناشویی‌اش بپردازد.	
- مادرم عقیده دارد موفقیت یک دختر در آینده به این است که در فعالیت‌های اجتماعی موفق باشد نه این‌که زندگی زناشویی سعادت‌مندی داشته باشد.	
- مادرم عقیده دارد سعادت و خوشبختی یک زن تنها با داشتن یک کانون گرم خانوادگی تأمین می‌شود.	نظرات مادران
- مادرم عقیده دارد یکی از اساسی‌ترین کارهای هر زنی خانه‌داری اوست و خانه‌دار بودن است که زن را می‌سازد.	نسبت به نقش‌های
- مادرم عقیده دارد فعالیت اجتماعی یک زن و کار او در بیرون از خانه به همان اهمیت و بزرگی رسالت مادری اوست. جنسیتی
- مادرم عقیده دارد که مهم نیست هوش و نبوغ یک دختر در چیست بلکه مهم آن است که دختر، تمام هوش و نبوغ خود را در راه سعادت زندگی زناشویی و گرمی کانون خانوادگی به کار بیندازد.	
- مادرم عقیده دارد که اصولاً مردان بهتر از زنان مدیریت می‌کنند.	
- مادرم عقیده دارد که زن بالباس سفید به خانه شوهر می‌رود و بالباس سفید (کفن) خارج می‌شود.	

۴- الگوی مدیریت خانواده

تعریف نظری:

مدیریت خانواده را «دانش و هنر هماهنگی کوشش‌های اعضای خانواده و استفاده بهینه از منابع خانوادگی (باورها و اعتقادات، سرمایه انسانی و مالی، عاطفه و احساس، و ...) برای رسیدن به اهداف در دوره زمانی معین تعریف کرده‌اند». (باقری، ۱۳۸۸: ۹).

الگوی پنج‌گانه ساخت اعمال قدرت در خانواده در نظریات مدیریت خانواده، مشتمل بر «ساخت مستبدانه»، «ساخت اقتدارگرایانه»، «ساخت دموکراتیک»، «ساخت مبتنی بر برابری»، و «ساخت مخیرانه» است.

با آنکه مفهوم مدیریت خانواده با مفهوم قدرت و شاخص اساسی آن یعنی «تصمیم‌گیری» به پایان نمی‌رسد اما بسیاری از محققان در تحقیقات خود، وجه تصمیم‌گیری را به عنوان مصداق مفهوم قدرت در خانواده به کار می‌برند (باقری، ۱۳۸۸: ۷).

به منظور تعریف عملیاتی این متغیر، برای "نحوه تصمیم‌گیری" در مورد امور مختلف خانواده (برابره و نابرابره) و "حوزه‌های تصمیم‌گیری" (امور اقتصادی و روابط اجتماعی) در جدول شماره ۵، گویه‌هایی بیان گردیده است و امتیاز متغیر «الگوی مدیریت خانواده» از حاصل جمع امتیازات مربوط به این دو حوزه به دست می‌آید.

الگوی مدیریت غیر دموکراتیک امتیاز ۴۲-۱۸، الگوی مدیریت تقریباً دموکراتیک امتیاز ۶۷-۴۳ و الگوی مدیریت دموکراتیک امتیاز ۹۰-۶۸ را به خود اختصاص داده است.

جدول ۴-

<p>- معمولاً پدرم در تصمیماتی که در خانه گرفته می‌شود نظر سایر اعضای خانواده را جویا می‌شود.</p> <p>- مخالفت با تصمیماتی که پدرم در امور زندگی می‌گیرد بی‌فایده است.</p> <p>در خانواده کمتر می‌توانم به‌تنهایی تصمیم بگیرم.</p> <p>- برای انجام بیشتر اموری که قرار است انجام دهم باید از پدرم اجازه بگیرم.</p> <p>- اگر نظری در مورد چیزی بدهم از سوی پدرم و سایر اعضای خانواده پذیرفته می‌شود.</p> <p>- اگر قرار باشد جایی بروم (مهمانی، تفریح با دوستان و ...) باید حتماً از پدرم اجازه بگیرم.</p> <p>- روی هم‌رفته در خانواده ما حرف آخر را پدر خانواده می‌زند.</p> <p>- کار کردن دختر در بیرون از منزل حتماً باید با اجازه پدرم باشد.</p> <p>- ادامه تحصیل فرزندان حتماً باید با اجازه پدرم انجام گیرد.</p> <p>- معمولاً پدرم در تصمیماتی که در خانه گرفته می‌شود نظر سایر اعضای خانواده را جویا می‌شود.</p> <p>- مخالفت با تصمیماتی که پدرم در امور زندگی می‌گیرد بی‌فایده است.</p>	<p>نحوه تصمیم‌گیری</p>
<p>- چگونگی مصرف دخل و خرج روزانه</p> <p>- عوض کردن منزل مسکونی</p> <p>- خرید وسیله نقلیه</p> <p>- تهیه وسایل زندگی (فرش، یخچال، تلویزیون و...)</p>	<p>حوزه اقتصادی</p>
<p>- تصمیم‌گیری در مورد دیدوبازدید اقوام</p> <p>- مهمانی گرفتن</p> <p>- دیر آمدن فرزند و بازخواست کردن</p> <p>- تنبیه فرزند در صورت لزوم</p> <p>- نوع غذایی که باید طبخ گردد.</p>	<p>حوزه اجتماعی</p> <p>تصمیم‌گیری</p>

یافته‌های تحقیق

فرضیه اول

«به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی پدر و میزان توانمندی اجتماعی دختران رابطه معناداری وجود دارد.»

جدول ۵- توزیع جمعیت مورد مشاهده برحسب پایگاه اجتماعی پدر و توانمندی اجتماعی

جمع	بالا	متوسط	پایین	فراوانی	پایگاه اجتماعی پدر
					توانمندی اجتماعی
۱۵۸	۳	۲۷	۱۲۸	فراوانی مطلق	متوسط
٪۸۲,۲۹	٪۱,۸۹	٪۱۷,۰۸	٪۸۱,۰۱	فراوانی نسبی	
۳۴	۲	۳	۲۹	فراوانی مطلق	بالا
٪۱۷,۷۱	٪۵,۸۸	٪۸,۸۲	٪۱۵,۲۹	فراوانی نسبی	

با توجه به مقادیر و درصد‌های به‌دست‌آمده در جدول ۵، رابطه معناداری بین دو متغیر مشاهده نمی‌شود. به‌منظور بررسی دقیق‌تر از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است که در جدول زیر نتایج آن نشان داده شده است.

جدول ۶- بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی پدر و توانمندی اجتماعی دختران

فرضیه	ضریب همبستگی	سطح معناداری (دو دامنه)
پایگاه اجتماعی پدر / توانمندی اجتماعی	-۰,۰۳۴	۰,۶۴۰

جدول شماره ۶، نتایج همبستگی بین پایگاه اجتماعی پدر و توانمندی اجتماعی دختران را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی بین دو متغیر برابر است با -۰,۰۳۴ و سطح معناداری آزمون نیز ۰,۶۴۰ است و این مقدار از ۰,۰۵ بزرگ‌تر است ($r = 0/27$, $p > 0/05$). نتایج حاکی از عدم وجود همبستگی معنادار بین

این دو متغیر است. بنابراین نمی‌توان گفت بین پایگاه اجتماعی پدر افراد مورد مطالعه با میزان توانمندی اجتماعی دختران رابطه‌ای وجود دارد.

فرضیه دوم

"بین نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی و میزان توانمندی اجتماعی دختران رابطه معناداری وجود دارد."

جدول ۷- توزیع جمعیت مورد مشاهده برحسب نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی و

توانمندی اجتماعی

توانمندی اجتماعی	نظرات مادران نسبت به نقش جنسیتی	فراوانی	موافق	بدون نظر	مخالف	جمع
متوسط	فراوانی مطلق	۲۸	۶۷	۶۳	۱۵۸	
	فراوانی نسبی	٪۱۷،۷۲	٪۴۲،۴۰	٪۳۹،۸۷	٪۸۲،۲۹	
بالا	فراوانی مطلق	۴	۱۳	۱۷	۳۴	
	فراوانی نسبی	٪۱۱،۷۶	٪۳۸،۲۳	٪۵۰	٪۱۷،۷۱	

با توجه به مقادیر و درصد‌های به‌دست‌آمده در جدول ۷، مشاهده می‌شود که هر چه نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی بیشتر فاصله گرفته، میزان توانمندی اجتماعی دختران هم بالاتر رفته است. به‌منظور بررسی دقیق‌تر از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است که در جدول زیر نتایج آن نشان داده شده است.

جدول ۸- بررسی رابطه بین نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی و توانمندی اجتماعی

فرضیه	ضریب همبستگی	سطح معناداری (دو دامنه)
نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی / توانمندی اجتماعی	۰،۴۱۲	۰،۰۰۰

تأثیر عوامل خانوادگی بر توانمندی اجتماعی ... ۲۵۷

همان‌طور که جدول ۸ نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین دو متغیر نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی و توانمندی اجتماعی دختران برابر است با ۰,۴۱۲ و سطح معناداری آزمون نیز ۰,۰۰۰ است. این نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار با سطح اطمینان ۹۹ درصد بین این دو متغیر است. بنابراین می‌توان گفت بین نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی با توانمندی اجتماعی دختران آن‌ها رابطه مستقیم وجود دارد.

فرضیه سوم

"بین نوع الگوی مدیریت خانواده و میزان توانمندی اجتماعی دختران رابطه معناداری وجود دارد."

جدول ۹- توزیع جمعیت مورد مشاهده برحسب الگوی مدیریت خانواده و توانمندی اجتماعی

جمع	دموکراتیک	تقریباً دموکراتیک	غیر دموکراتیک	فراوانی	الگوی مدیریت خانواده توانمندی اجتماعی
۱۵۸	۴۷	۹۲	۱۹	فراوانی مطلق	متوسط
٪۸۲,۲۹	٪۲۹,۷۴	٪۵۸,۲۲	٪۱۲,۰۲	فراوانی نسبی	
۳۴	۱۸	۱۶	۰	فراوانی مطلق	بالا
٪۱۷,۷۱	٪۵۲,۹۴	٪۴۷,۰۵	٪۰	فراوانی نسبی	

با توجه به مقادیر و درصد‌های جدول ۹، مشاهده می‌شود که هرچه الگوی مدیریت خانواده دموکراتیک‌تر باشد میزان توانمندی زنان هم بالاتر رفته است. به‌منظور بررسی دقیق‌تر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که در جدول شماره ۱۰، نتایج آن نشان داده شده است.

جدول ۱۰- بررسی رابطه بین الگوی مدیریت خانواده و توانمندی اجتماعی

فرضیه	ضریب همبستگی	سطح معناداری (دو دامنه)
الگوی مدیریت خانواده/ توانمندی اجتماعی	۰,۳۰۹	۰,۰۰۰

جدول ۱۰ نتایج همبستگی بین الگوی مدیریت خانواده و توانمندی دختران را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی بین دو متغیر برابر است با ۰,۳۰۹ و سطح معناداری آزمون نیز ۰,۰۰۰ است و این مقدار از ۰,۰۵ کوچک‌تر است ($r=0/309, p<0/05$) که این نتایج، حاکی از وجود رابطه معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین این دو متغیر است. بنابراین می‌توان گفت هرچه الگوی مدیریت خانواده دموکراتیک‌تر باشد توانمندی اجتماعی دختران بیشتر خواهد شد و هر چه الگوی مدیریت خانواده به سمت الگوی مدیریت غیر دموکراتیک می‌رود توانمندی اجتماعی دختران نیز کمتر خواهد شد.

با توجه به نتایج فرضیات تحقیق، مشاهده شد که تنها متغیرهای "نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی" و "الگوی مدیریت خانواده" همبستگی معناداری با متغیر وابسته دارند. بنابراین بررسی رگرسیونی این دو متغیر در جدول شماره ۱۱، بیان‌شده است. نوع رگرسیون استفاده‌شده روش هم‌زمان (Enter) می‌باشد.

جدول ۱۱- نقش متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته

Sig (سطح معنی‌داری)	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب غیراستاندارد		
		مقدار بتا	خطای استاندارد	B	
۰,۰۰۰	۱۸,۹۸		۳,۷۷	۷۱,۵۵	(مقدار ثابت)
۰,۰۰۰	۴,۰۰۵	۰,۳۱۱	۰,۰۸۲	۰,۳۲۷	نظرات مادران نسبت به نقش جنسیتی
۰,۳۳۷	۰,۹۶۲	۰,۰۷۵	۰,۰۶۷	۰,۰۶۴	الگوی مدیریت خانواده

متغیر وابسته: توانمندی اجتماعی

معادله خط رگرسیون برابر خواهد بود با

$$Y = 71/55 + 0/327(\text{نظرات مادران نسبت به نقش جنسیتی}) - 0/064(\text{الگوی مدیریت})$$

به عبارتی دیگر به ازای هر واحد تغییر در توانمندی اجتماعی بایستی ۰,۳۲۷ واحد در نظرات مادران نسبت به نقش جنسیتی و ۰,۰۶۴- واحد در الگوی مدیریت به علاوه ۷۱,۵۵ صورت بگیرد؟؟؟؟

بحث و نتیجه گیری

نتایج توصیفی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که میزان توانمندی اجتماعی هیچ‌کدام از دختران مورد مطالعه در سطح پایین نبوده است و ۸۲,۳٪ از دختران مورد مطالعه از لحاظ توانمندی اجتماعی در گروه متوسط و ۱۷,۷٪ نیز در گروه بالا قرار گرفته‌اند.

پایگاه اجتماعی ۸۰ درصد از پدران دختران مورد مطالعه پایین بود.

در مورد متغیر مستقل «نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی»، ۱۶,۷٪ از افراد مورد مطالعه به لحاظ نظراتشان نسبت به نقش‌های جنسیتی در طبقه پایین، ۴۱,۷٪ در گروه متوسط و ۴۱,۷٪ نیز در گروه بالا قرار گرفته‌اند.

الگوی مدیریت خانواده بیش از نیمی (۵۶,۳ درصد) از دختران مورد مطالعه، تقریباً دموکراتیک، حدود ۳۴ درصد نیز الگوی مدیریت خانواده‌شان دموکراتیک و حدود ۱۰ درصد دارای الگوی مدیریت خانواده غیردموکراتیک بودند.

نتایج تبیینی پژوهش حاضر نشان داد که بین پایگاه اجتماعی پدران دختران مورد مطالعه و میزان توانمندی اجتماعی دختران (فرضیه اول) رابطه معناداری وجود ندارد. در بخش چارچوب نظری پژوهش این مطلب عنوان شده بود که طبق تئوری منابع بلود و وولف پایگاه اجتماعی پدر در میزان توانمندی اجتماعی دختران تأثیرگذار

است ولی همان‌طور که نتایج تحقیق نشان می‌دهد، تئوری‌های مطرح‌شده در جمعیت آماری مورد مطالعه تأیید نشد.

همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد، تاکنون در خصوص توانمندی اجتماعی دختران پژوهشی انجام نگرفته است و تمام پژوهش‌های انجام‌گرفته در زمینه توانمندی زنان بوده است و این مسئله شاید باعث شود که نتوان مقایسه درستی بین این پژوهش با پژوهش‌های قبلی انجام داد. در تحقیقی که در سال ۱۳۸۹ توسط سولماز چمنی بالابیکلو با عنوان «سطح توانمندی زنان متأهل و عوامل مؤثر بر آن» انجام گرفت، نتایج نشان داد که بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی پدر زنان متأهل و توانمندی آنان ارتباط معناداری وجود دارد، درحالی‌که در تحقیق حاضر این فرضیه تأیید نشد و باوجود پایگاه اجتماعی پایین پدران افراد مورد مطالعه، توانمندی اجتماعی بیش از ۸۰ درصد دختران در حد متوسط بود که به نظر می‌رسد یکی از دلایل این امر آموزش‌هایی است که توسط مؤسسه امید مهر در راستای توانمندی این دختران به آن‌ها داده می‌شود.

با توجه به نتایج پژوهش فرضیه دوم تأیید شد. یعنی بین نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی و میزان توانمندی اجتماعی دختران رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. بنابراین این تئوری در جمعیت آماری مورد نظر تأیید شد.

در بخش چارچوب نظری پژوهش، برای این منظور از نظریه توانمندسازی سارا لانگه استفاده شده بود. همسو با نتیجه به‌دست‌آمده، نتایج تحقیق خانم چمنی بالا بیکلو نیز بیانگر این بود که بین تصورات قالبی جنسیتی زنان متأهل و توانمندی آن‌ها رابطه وجود دارد یعنی وجود تصورات قالبی جنسیتی در سطح پایین، موجب افزایش توانمندی زنان متأهل در سطح بالا می‌شود. اما در تحقیقی دیگر با عنوان " بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر نگرش دختران نسبت به نقش اجتماعی خود" که توسط محمدرضا نیکجو در سال ۱۳۷۷ انجام شده است این نتیجه حاصل شد که نگرش دختران نسبت به نقش اجتماعی خود بیش از آن‌که متأثر از وضعیت و شرایط مادر باشد، متأثر از وضعیت، شرایط و رفتار پدر است. در صورتی‌که نتیجه تحقیق حاضر

نشان داد که بین نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی و میزان توانمندی اجتماعی دختران رابطه معناداری وجود دارد ولی بین پایگاه اجتماعی پدر و توانمندی اجتماعی دختران رابطه معناداری وجود نداشت.

فرضیه سوم یعنی ارتباط بین الگوی مدیریت خانواده با میزان توانمندی اجتماعی دختران نیز تأیید شد به این معنی که هر چه الگوی مدیریت خانواده دموکراتیک‌تر بود، میزان توانمندی اجتماعی دختران نیز بیشتر بود. برای این منظور در بخش چارچوب نظری از الگوی مدیریت خانواده آنتونی گیدنز استفاده شد. پژوهش حاضر نشان داد که در خانواده‌ای که الگوی مدیریت آن دموکراتیک باشد، و اعضا و به‌خصوص دختران در تصمیم‌گیری‌ها نقش مؤثرتری داشته باشند، میزان توانمندی اجتماعی دختران بیشتر است که این امر به عدالت جنسیتی مطرح‌شده گیدنز نزدیک است.

در انتها برای بررسی دقیق‌تر رابطه متغیرهای "نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی" و "الگوی مدیریت خانواده" و اثر و ارتباط آن‌ها با متغیر توانمندی اجتماعی دختران، از روش رگرسیون چند متغیره هم‌زمان استفاده شد. نتایج این بررسی حاکی از معناداری اثر متغیرهای "نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی" و "الگوی مدیریت خانواده" بر متغیر وابسته (توانمندی اجتماعی دختران) بود. به این صورت که نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی می‌توانست چیزی بیشتر از ۳۰٪ واریانس در توانمندی دختران را تبیین کند. البته گفتنی است که متغیر "الگوی مدیریت خانواده" در این بین اثر معناداری نداشت و از مدل حذف گردید. در راستای تبیین یافته‌های این بخش باید اشاره کرد که تغییر نگرش مادران می‌تواند نقش قابل‌توجهی در توانمندی دختران ایفا کند، شاید بتوان علت این ارتباط را بر این مبنا قرارداد که به‌احتمال هر چه مادران از نقش‌های جنسیتی زنان و دختران در جامعه امروزی آگاهی بیشتری داشته باشند، به همان مقدار می‌توانند اطلاعات مفید بیشتر، حمایت گسترده و کارآمدتر و ارتباط صمیمی‌تر و باقابلیت درک دوطرفه بیشتری را بین خود و دختران خود ایجاد کنند که به‌واسطه آن دختران از یک منبع اطلاعاتی و حمایتی آگاه‌تر نسبت به نقش‌های

آنان برخوردار خواهند بود و به همین طبع نقش فعال‌تری در جامعه ایفا خواهند نمود و از توانمندی بیشتری نیز برخوردار خواهند بود.

پیشنهاد‌های کاربردی

۱- دختران در عرصه‌های گوناگون اعم از خانه، مدرسه، محیط کار و به‌طورکلی در جامعه همواره با تبعیض روبرو هستند. با توجه به این‌که خانواده اولین مکانی است که دختران در آن قرار می‌گیرند، به نظر می‌رسد باید کار را با خانواده شروع کرد. همان‌طور که نتایج این پژوهش نیز نشان داد عوامل خانوادگی از جمله نظرات مادران نسبت به نقش‌های جنسیتی و همچنین الگوی مدیریت خانواده در توانمندی اجتماعی دختران مؤثر هستند. بنابراین باید مؤسسات مختلف که در زمینه توانمندی دختران فعالیت می‌کنند نگاه سیستمی به این امر داشته باشند و در فرایند توانمندسازی این افراد، خانواده را نیز دخیل نمایند و برنامه‌های توانمندی‌شان را علاوه بر دختران برای خانواده‌ها نیز تدوین کنند.

۲- همان‌طور که نتایج تحقیق نشان داد میزان توانمندی اجتماعی ۸۲ درصد از دختران در حد متوسط بود و هیچ‌کدام از آن‌ها از سطح توانمندی پایین برخوردار نبودند که به نظر می‌رسد دلیل این امر آموزش‌های کسب‌شده در طی دوره عضویت‌شان در مؤسسه موردنظر بوده است. بنابراین با توجه به نتایج تحقیق و از آنجایی‌که همه افراد به‌طور ذاتی دارای توانایی بالقوه جهت یادگیری، رشد و تغییر هستند و رسیدن به شناخت و ابراز وجود اولین اصل مهم در ایجاد تغییر در افراد است و همان‌طور که هگل نیز معتقد است راه توانمندسازی «ابراز وجود» است، بنابراین در کار با این دختران قبل از هر چیز باید به این مسئله توجه کرد و برنامه‌های توانمندی را بر این اصل استوار کرد.

۴ - نتایج پژوهش نشان داد که اکثریت پاسخگویان در برخی از مؤلفه‌های مربوط به توانمندی اجتماعی از جمله عاملیت (قدرت تصمیم‌گیری و آزادی در رفت‌وآمد) و

همچنین مشارکت در تصمیم‌گیری که یکی از مؤلفه‌های مربوط به الگوی مدیریت خانواده می‌باشد، در طبقه متوسط قرار داشتند، که به نظر می‌رسد یکی از آیت‌هایی که به‌منظور بالا بردن سطح این مؤلفه‌ها و به‌تبع آن افزایش توانمندی اجتماعی این دختران، باید مدنظر قرار گیرد مشارکت مردان خانواده و دخالت دادن آن‌ها در فرایند توانمندی این گروه از دختران است. چرا که برنامه‌های توانمندی ممکن است بتواند تصور دختران از خود را بهبود بخشد و باعث ابراز وجود آنان گردد ولی مادامی‌که مردان به‌خصوص پدر و برادران آن‌ها با این مسئله آشنایی نداشته باشند و در این فرایند درگیر نشوند، این مسئله باعث عدم سازگاری دختران با محیط‌شان می‌شود و طبیعتاً نتیجه موردنظر حاصل نخواهد شد.

منابع

- اسپنله، آن ماری روش بلاو. (۱۳۷۲). *مفهوم نقش در روانشناسی اجتماعی*. ترجمه: ابوالحسن سرو مقدم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی
- امامی نصیرمحلله، علی. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر بر میزان قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی.
- باقری، شهلا. (۱۳۸۸). مدیریت خانواده: الگوها و مقتضیات. *مجله مباحث بانوان شیعه*، شماره ۲۰
- چمنی بالا بیگلو، سولماز. (۱۳۸۹). سطح توانمندی زنان متأهل و عوامل مرتبط با آن، مورد کاوی: شهر اردبیل در سال ۱۳۸۹ *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). *دایره المعارف علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات کیهان
- سرداری، ناهید. (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر عاملیت زنان در تغییرات اجتماعی (در شبکه خانواده). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- شکوری، علی؛ رفعت جاه، مریم؛ جعفری، معصومه. (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن. *زن در توسعه و سیاست*، شماره ۱۷.
- شهشانی، سهیلا. (۱۳۸۰). *چارچوب مفهومی جنسیت؛ نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

- فاطمی، فاتح. (۱۳۹۱). بررسی بهره‌مندی زنان از پروژه‌های محله محور شهرداری تهران و تأثیر آن بر میزان ارتقای احساس توانمندی اجتماعی و روانی آنان. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فرهنگ و پژوهش. (۱۳۸۲). فصل الخطاب سیاست‌ها: مسائل جنسیتی در برنامه چهارم توسعه با دو فصل اشتغال و تأمین اجتماعی. *فرهنگ و پژوهش*، شماره ۱۲۷.
- کاظمی پور، شهلا. (۱۳۷۸). «الگوی در تعیین جایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعات موردی شهر تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۴.
- کرمانی، مهدی؛ خراسانی، محمد مظلوم؛ بهروان، حسین؛ نوغانی، محسن. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار؛ مورد مطالعه: زنان شاغل در مراکز کوثر شهرداری تهران در سال ۱۳۹۱. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهاردهم، شماره ۳.
- نیکجو، محمد. (۱۳۷۷). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر نگرش دختران نسبت به نقش اجتماعی خود. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی.

- Ferber, MA. (1982). Labor market participation of young married wome: causes and effects. *Marriage and Family*. Vol.44, No
- Kabeer. Naila. (2010). Gender equality and women's empowerment: A critical analysis of the third millennium development goal 1. Pages 13-24
- Kabeer. Naila. Mahmood Simeen & Tasnim Sakiba. (2011). "Does Paid Work Provide a Pathway to Womans Empowerment? Empirical Findings Fom Bangladesh Gender equality and womens empowerment". Institute of Development. Brighton. UK.
- Saigal, Gunjan., Sarawat, Krishna. (2013). *Women's Empowerment in India. Roorkee Engineering and Management Technology Institute*, India and IILM, India. DOI: 10.15410/ajjm/2013/v2i2/50551